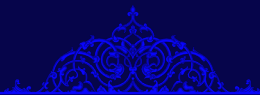
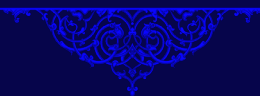


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



تقدیم به اول بانوی مدافع ولایت امیرالمومنین علیہ السلام؛ حضرت زهرا علیہا السلام



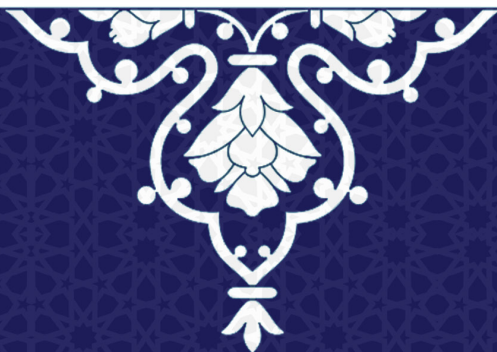


جهاد تبیین در قیام فاطمی

«تحلیل اقدامات تبیینی حضرت زهرا ع.ا.س.»

در دفاع از ولایت امیرالمومنین ع.ا.س.»

حجت الاسلام محمدرضا زارع





قم، خیابان جمهوری، میدان سپاه، انتهای
خیابان اخلاقی، ساختمان شهید حقانی،

پلاک ۴۷

۰۲۵۳۲۴۰۰۳۶۰-۲

۰۹۰۲۴۱۰۹۸۰۶

www.bastefarhangi.ir

@bastefarhangi



عنوان کتاب: جهاد تبیین در قیام فاطمی

«تحلیل اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت

امیرالمومنین علیه السلام»

نویسنده و ویراسته: در معاونت آموزش و پژوهش تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب

نویسنده: حجت الاسلام محمدرضا زارع

(گروه تبلیغی شهید دقایقی)

نوبت و تاریخ چاپ: اول (جمادی الاولی ۱۴۴۴)

طراح چاپ: سید امیر حسین حسینی عارف

صفحه آرایی: حسین زارعی زیاری

فهرست

مقدمه ۷

جلسه اول

جریان حاکم بر مدینه هنگام رحلت پیامبر ﷺ

- خطبه ۹
- ایجاد انگیزه ۹
- ۱- غدیر، واقعه‌ای که فراموش شد ۹
- ۲- سقیفه، شروع انحراف جامعه اسلامی ۱۲
- اقناع اندیشه ۱۵
- ۳- صحنه آرایبی برای اجماع سازی ۱۵
- یک) بیعت اجباری ۱۶
- دو) فرستادن مردان مدینه به سمت لشکر اسامه ۱۶
- سه) تقسیم اموال بین زنان انصار و مهاجرین ۱۷
- چهار) غصب فدک و محروم کردن از دریافت خمس ۱۸
- رفتار سازی ۱۸
- ۴- اقدامات اهل بیت علیهم السلام در برابر جریان سقیفه ۱۸
- روژه ۲۰

یکی از اصلی‌ترین و مهمترین ابزارهای ترویج حقایق و روشنگری اذهان، تبلیغ است. تبلیغ سیره‌ای است که از پیامبران، امامان و بزرگان دین در گذر ایام و کوران حوادث تلخ و شیرین روزگار تا امروز به ما رسیده است. ابزاری که به جهت جایگاه ویژه اش در پیشبرد اهداف عالی الهی و نشر معارف اسلامی توسط مبلغان دین به کار گرفته شد. اما نقش همین مهم، اگر در تغییر معادلات و برهم زدن نقشه های دشمنان خدا نادیده و یا کم اهمیت گرفته شود، دشمن به اهداف شوم خود امیدوار و مصمم خواهد شد.

حضرت امام خمینی علیه السلام در بیانی که مشهور به منشور روحانیت شد، می‌فرمایند:

اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرتها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند. همچنین رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با روحانیون، یکی از اصلی ترین وظایف شان را تبلیغ دانسته و بارها برآن تأکید کرده‌اند: «مسأله تبلیغ، یکی از مسائل اساسی در حیات اجتماعی است و مخصوص یک دوره نیست. تبلیغ که از آن در قرآن به «بلاغ»، «بیان»، «تبیین» و از این قبیل تعبیر شده است، یکی از وظایف مقدّس، وظیفه انبیا، وظیفه علما، وظیفه متفکران و دانایان و مصلحان است. تبلیغ، یعنی رساندن. رساندن چه؟ رساندن آن حقایقی به اذهان و دل‌های مخاطبان که بدون آن، دچار خسارت خواهند شد.

این است که ارزش تبلیغ را بالا میبرد. ۱۳۷۷ / ۰۲ / ۰۲

اکنون در این برهه تاریخی که دشمنان، دشمنی خود

را آشکارتر کرده و با همه توان و نیروهای خود به میدان آمده، نباید از منبر و تبلیغ غافل شد و باید در عرصه «تبیین» که به فرموده مقام معظم رهبری، "جهاد" است وارد شد. جهادی که بدون تردید، پرچم دار و فرمانده آن بانوی دو عالم فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ است. همان بانویی که در هنگامه ای که دشمنان، نقشه های شوم در سر داشتند و در خیال خام خود کار را تمام شده می دانستند، با تمام وجود پا در میدان روشنگری و جهاد نهاد و ایشان را رسوا ساخت و در راه دفاع از ارزشهای والای الهی و احقاق حق، جان خود را فدا کرد. امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فَرَجَهُ الْعَرَبِيُّ در توقیعی به خط مبارک خود بعد از دعا برای دور ماندن شیعیان از ضلالت و فتنه ها و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنها می فرماید: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (۱)؛ (فاطمه دختر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای من اسوه و الگویی نیکوست).

امید است در این ایام که منتسب به وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیهاست، با اسوه قراردادن ایشان، ما نیز به عنوان «سرباز جان فدا» با قدم نهادن در میدان «جهاد تبیین» در بیان حقایق و ترویج معارف ناب اسلامی در این مبارزه سهمی داشته باشیم.

پروردگارا! ما را سربازان جهادِ عظیم این روزگار که «جهاد تبیین» است، قرار بده.

هاشمی نسب

۱۴۰۱/۹/۳



جریان حاکم بر مدینه هنگام رحلت پیامبر ﷺ

خطبه

أعوذُ باللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، إِبْرَاهِيمَ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ،
رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَسِرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ
بِهِ عِلْمُكَ. هَدِيهِ مُحَضَّرٍ مُقَدَّسٍ بَانَوِي دُو عَالَمٍ، سَيِّدِهِ نِسَاءِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ صَلَوَاتِي خَتَمَ بِفَرْمَايِيدِ.

ایچاه الکبیره

ای قدری، واقتمای که فراموشی شد

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حجة الوداع، پس از نزول

آیهی «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^۱، علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان مولا و جانشین پس از خود اعلام نمودند و مردم را به تبعیت از ایشان دعوت کردند و سه روز طول کشید تا همه‌ی مسلمانانی که در غدیر بودند با آن حضرت بیعت کنند. همه از این تصمیم ابراز خوشحالی می‌نمودند و امیرالمومنین را به عنوان بهترین جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبری جامعه‌ی اسلامی در آینده می‌دانستند. این مطلب را پیامبر صلی الله علیه و آله صریحاً و عمومی اعلام کردند و مسلمانان هم پس از بازگشت از حج، این واقعه را برای کسانی که حضور نداشتند بازگو کردند.

بحثی که این شب‌ها برای شما آماده کرده‌ام درباره‌ی جریان‌ی است که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله توانستند با حیل‌های خود، مسیر امامت و رهبری جامعه‌ی اسلامی را تغییر دهند و بزرگترین ضربه‌ها را به دین وارد کنند. می‌خواهیم قیام و انقلابی که حضرت زهرا علیها السلام در برابر این جریان به پا کردند را تحلیل کنیم و متناسب با آن وظیفه‌ی خودمان را بشناسیم.

همه چیز طبق آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود پیش می‌رفت تا اینکه لحظات تلخ بیماری و رحلت آخرین پیامبر الهی فرا رسید. در آن شرایط عده‌ای که نقاب اسلام را به



صورت زده بودند و خود را دلسوز اسلام معرفی می‌کردند شرایط را مناسب دیدند تا چهره‌ی واقعی خودشان را نشان دهند و اهداف شوم خود را اجرایی کنند. کسانی که به پیامبر گرامی اسلام ﷺ هنگامی که کاغذ خواست تا مطلبی را بنویسد که امت را از گمراهی نجات دهد، تهمت زدند: « إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ »^۱. این مخالفت علنی و توهین به پیامبری که معصوم است و هیچوقت اشتباه نمی‌گوید، بغضی بود که از ماجرای غدیر بلکه از زمان‌ها قبل در دلشان مانده بود.

این حرف‌های من نیست! خطبه‌ای است که بانوی دو عالم فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در مسجدالنبی خطاب به خلیفه‌ی اول بیان کردند: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَىٰ أَصْفِيَائِهِ : وَ قَتِي خَدَا، پيغمبر خودش را نزد خودش برگزید و از این دنیا رفت، ظَهَرَ فَيَكُمُ حَسَكَةُ النِّفَاقِ» علامت نفاق در رفتار شما آشکار شد.^۲ چه سندی بالاتر از حرف‌های صدیقه‌ی طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ خطر این گروه منافق برای اسلام از دشمنان بیشتر بود. زیرا آنها در ظاهر خود را دلسوز مسلمانان معرفی می‌کردند اما به دنبال هدف‌های خودشان بودند و مسلمانان نیز از این جهت که صحابه‌ی نزدیک پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودند به آنها اعتماد داشتند و حرف‌شان را می‌پذیرفتند.



۱. منهاج السنة، ج ۶، صفحه‌ی ۱۹

۲. بخش‌هایی از خطبه فدکیه

پس از رحلت نبی گرامی اسلام ﷺ، عده‌ای به تکاپو افتادند جانشینی را برای رهبری مسلمین انتخاب کنند در حالیکه طبق نقل‌های معتبر تاریخی هنوز بدن مطهر آن حضرت به خاک سپرده نشده بود و بنی هاشم مشغول عزاداری و اعمال تدفین بودند. تا آنجا که در نقل‌های تاریخی آمده است حتی بسیاری از مهاجرین و انصار در تدفین و نماز بر پیکر مطهر پیامبر ﷺ شرکت نکردند و مشغول انتخاب خلیفه بودند. ^۱ معلوم بود که اینها منتظر این اتفاق بودند و اندوه و غمی از بابت فقدان پیامبر خاتم ﷺ نداشتند.

هیچکس باور نمی‌کرد مدینه‌ای را که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در طول ده سال رهبری کرد، تنها فقط چند روز پس از رحلت ایشان به چنین اوضاعی دربیاید؛ مهم‌ترین سفارش آن حضرت را از یاد ببرند و با اهل بیت او بدترین رفتارها را داشته باشند.

۲- سقیفه، شروع انحراف جامعه اسلامی

عده‌ای که از مدت‌ها قبل برنامه ریزی کرده بودند تا با کشتن پیامبر ﷺ، رهبری جامعه اسلامی را بدست بگیرند



۱. به نقل شیخ مفید و ابن شهر آشوب بسیاری از مهاجرین و انصار در نماز و مراسم تدفین رسول خدا ﷺ حضور نداشتند و دلیل آن سرگرمی به انتخاب خلیفه بود (الاختصاص، ج ۱، ص ۱۸۹ / مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۷)

و نقشه های متعددی را برای آن طراحی کرده بودند^۱ از جمله رم دادن شتر پیامبر ﷺ در گردنه های کوهستانی در بازگشت از غزوه ی تبوک^۲، با شنیدن خبر شدید شدن مرضی نبی مکرم اسلام ﷺ خود را به مدینه رساندند و در سقیفه ای که انصار برای تعیین خلیفه تشکیل داده بودند شرکت نمودند و در میان دعوی مهاجرین و انصار خود را به عنوان خلیفه معرفی کردند. خلیفه ی اول بر فراز منبر رفت و طبق روایتی که از امیرالمومنین عَلِيٍّ نقل شده است، شیطان اولین کسی بود که با او بیعت کرد.^۳

این مطالب را باید در فاطمیه گفت. اصلاً حرکتی که حضرت زهرا عَالِيهَا انجام دادند، تبیین این انحراف بزرگ بود. حضرت در خطبه ی فدکیه فرمودند که با این کار شما دین پوسیده شد: «سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ» لباس دین پوسیده شد و از بین رفت. سقیفه، شروع انحراف مسیر امامت و رهبری جامعه اسلامی بود که بزرگترین ضربه ها را بر دین اسلام وارد نمود. دینی که رکن اصلی و اساسی آن امامت است^۴ و تنها پروردگار عالم است که تعیین کننده ی آن می باشد. اگر



۱. نقشه ی آنان اینگونه بود که: ابوبکر، عمر، ابو عبیده جراح، سالم مولای ابو حذیفه و عثمان گرد آمدند و برای رسیدن به حکومت بعد از پیامبر هم سوگند شدند و این قرار را در نامه ای نوشتند و آن را به امانت نزد ابو عبیده جراح گذاشتند (بحار الانوار، ج ۲، صفحه ی ۲۹۶، روایت ۵)

۲. سنن بیهقی، ج ۹، ص ۳۳ / کتاب سقیفه علامه عسکری، صفحه ۲۰

۳. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۴۴-

۴. - الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳۰

این حرف ها را نگوییم و سکوت کنیم و فقط از همسررداری و تربیت فرزند ایشان - که واقعاً الگوی کاملی هستند - صحبت کنیم در حق این بانوی شهیده جفا کرده ایم. بانویی که جان خودش و محسنش را در راه دفاع از ولایت و تبیین باطل بودن جریان سقیفه فدا کرد.

در این حرف ها هیچ توهینی نیست.^۱ حضرت زهرا علیها السلام استدلال محکم و متقن دارند و عصمة الله هستند. نباید به بهانه‌ی حفظ وحدت، مجاهدت های بانوی دو عالم را در برابر این جریان باطل روایت نکنیم. در جلسات بعد به حرکت های تبیینی و روشن کننده‌ی خانوم فاطمه‌ی زهرا علیها السلام اشاره خواهیم کرد و هرکدام را تحلیل می‌کنیم اما اینکه بگوییم این حرفها ضد وحدت است، اشتباه بزرگی است. مهم ترین انقلابی که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته، انقلاب حضرت زهرا علیها السلام برای احیای ولایت امیرالمومنین علیه السلام بوده است. حفظ وحدت نباید موجب غالب شدن روایت باطل شود به طوریکه دیگر از حق هیچ نشانی نباشد.

اما برگردیم به ادامه‌ی بحث خودمان: همه‌ی مسلمین از واقعه‌ی غدیر و تعیین رهبر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داشتند و این مهم ترین مانع بر سر راه جریان سقیفه بود. حال باید



۱ - رهبر معظم انقلاب: «از آن مفاهیم مهم که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها احساس خطر کردند که سرنوشت امت اسلام در حال به خطر افتادن است، یک کلمه‌ی هتک و زشت و توهین‌آمیز نفرمودند، بیانات محکم و مستحکم و متین و متقن بود، باید اینطور عمل کنید.» (۱۵ بهمن ۱۳۹۹)

دید چگونه این جریان توانست ورق را به سود خود برگرداند و در این جنگ روایت‌ها پیروز شود.



۳- صحنه آلابی برای اجماع سازی

همانطور که عرض کردم، اینها برای بعد از رحلت پیامبر ﷺ برنامه داشتند و می‌خواستند به هر نحوی که شده مسیر امامت را تغییر دهند. هنگامیکه انصار و مهاجرین در سقیفه جمع شدند و دعوا بر سر خلافت بالا گرفت و نهایتاً خلیفه‌ی اول، خلافت را به کمک خلیفه‌ی دوم عهده دار شد، دلیلی از قرآن و روایات پیامبر ﷺ بر این امر وجود نداشت. تنها راه این بود که بگویند انتخاب رهبر باید با اجماع مسلمین باشد. اما به جز عده‌ای از انصار و مهاجرین که حضور داشتند می‌بایست مابقی اهل مدینه و مسلمانان نیز با خلیفه بیعت می‌کردند تا این یک صدایی و اجماع حاصل شود. اگر اجماع شکل می‌گرفت و همه‌ی مسلمین بیعت می‌کردند دیگر واقعه‌ی غدیر فراموش می‌شد و آنها می‌توانستند به راحتی امیرالمومنین ع را خانه نشین کنند. این اجماع سازی آسان نبود فلذا آنها به هر طریقی که می‌شد باید از افراد بیعت می‌گرفتند. اگر بخواهم به چند مورد از مهم‌ترین حرکت‌های جریان سقیفه برای اجماع سازی اشاره کنم عبارتند از:



یک بیعت اجباری

افرادی که در صحرای اطراف مدینه زندگی می‌کردند برای تهیهی آذوقه سالیانه‌ی خود به صورت جمعی به شهر می‌آمدند زیرا خطر راهزنان وجود داشت و در آن زمان هم قبیله‌ی بنی اسلم به جهت این امر به مدینه آمده بودند. آنها تا از جریان خبردار شدند با توجه به کینه‌ای که از انصار داشتند به سمت خلیفه‌ی اول آمدند و با او بیعت کردند. سپس به پیشنهاد خلیفه‌ی دوم مبنی بر آذوقه‌ی رایگان در مقابل بیعت گرفتن، هرکه را در شهر بود به نزد خلیفه‌ی اول آورده تا بیعت کند.^۱ این گروه نقش بسیار مهمی را در مسیر اجماع سازی ایفا کردند.

دو فرستادن مردان مدینه به سمت لشکر اسامه

به دستور پیامبر ﷺ عده‌ی بسیاری از صحابه در سپاهی با رهبری اسامه به سمت شام از مدینه خارج شدند.^۲ با رسیدن خبر شدت یافتن مریضی پیامبر ﷺ، جریان نفاق خود را سریعاً به مدینه رساندند تا نقشه‌ی خودشان را عملی کنند. سپس با قدرت گرفتن خلیفه‌ی اول، مردانی را که در



۱. الجمل شیخ مفید، ص ۴۳ / تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۸

۲. این حرکت یکی از راهکارهای پیامبر ﷺ برای دور نگه داشتن عده‌ای که سودای خلافت را در سر داشتند، از شهر مدینه بود تا امیرالمومنین رضی الله عنه راحت تر رهبری جامعه را به عهده بگیرند اما همان افراد با شنیدن خبر سخت شدن مریضی پیامبر ﷺ سپاه را ترک نموده و به سرعت به سمت مدینه به راه افتادند. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۹۷)

مدینه بودند را به سمت لشکر اسامه فرستادند و رهبری سپاه را نیز از او گرفتند. با خالی شدن مدینه از مخالفین، آنها می‌توانستند این یکصدایی و اجماع را راحت تر غالب کنند.^۱

سه) تقسیم اموال بین زنان انصار و مهاجرین

طبق نقل های معتبر تاریخی، خلیفه ی اول، اموال بسیاری را بین زنان مدینه تقسیم نمود تا نظر آنها را نیز جلب نماید و آنها را ساکت کند. در یکی از نقل ها آمده است که وقتی سهمی را نزد بانویی از انصار بردند، او آن را برگرداند و گفت: «آیا میخواهید دین مرا با رشوه بخرید؟»^۲ عجب ایمانی خداوند به بعضی از بندگان می‌دهد که در آن جو و فضای حاکم آن روز اینطور می‌ایستند و مخالفت می‌کنند. از خدا بخواهیم این ایمان را. از خدا بخواهیم که با چنین ایمانی از دنیا برویم. عاقبت به خیر شدن خیلی مهم است. ماندن پای دین با تمام سختی ها و رنج ها خیلی ارزش دارد. اگر من و شما، دین خودمان را در برابر اندکی مال دنیا فروختیم دیگر آخرتی برایمان نمی‌ماند. یک زندگی ابدی در پیش داریم که باید خیلی برای آن تلاش کنیم.



۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۲۵

۲. تاریخ اسلام در آیینهای پژوهش، ج ۳۵، ص ۴

چهارم: غصب فدک و محروم کردن از دریافت خمس

خلیفه‌ی اول، به جهت قدرت نمایی و تحقیر اهل بیت علیهم‌السلام، فدک را - که بسیاری از مفسران شیعی و عامه در تفسیر آیه‌ی ﴿وَأْتِ ذِي الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^۱ آن را متعلق به حضرت زهرا علیها‌السلام می‌دانند - غصب کرد و کارگران و کسانیکه از سوی اهل بیت در آنجا مشغول به کار بودند را اخراج نمود. از طرفی بنی هاشم را از دریافت خمس منع کرد. دلیل اینکارها این بود که امیرالمومنین علیه‌السلام قدرت مالی لازم را برای مخالفت با اجماعی که ساختگی بود نداشته باشد و نتواند برعلیه آنها قیام کند و اهل بیت را مجبور به بیعت نماید.



۴- اقدامات اهل بیت علیهم‌السلام در برابر جریان مستقیمه

اینها گوشه‌ای از یک جنگ به تمام معنایی بود که خلفا برعلیه اهل بیت علیهم‌السلام راه انداخته بودند تا ثابت کنند همه‌ی مسلمین بر خلیفه‌ی اول اجماع دارند و مخالفی نیست و کسی امیرالمومنین علیه‌السلام را نمی‌خواهد. تنها راه مبارزه با این جریان نفاق، تبیین بود؛ تبیین حقانیت امیرالمومنین علیه‌السلام برای امامت و مهم‌ترین سند آن که واقعه‌ی غدیر بود. بسیاری از مسلمانان مدینه در حجة الوداع حضور داشتند و



کمتر از سه ماه از بیعت آنها با امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌گذشت. امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ همراه با حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از تدفین پیکر مطهر رسول خدا حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سه شب به صورت مخفیانه به در خانه‌ی کسانیکه در جنگ بدر بودند می‌رفتند^۱ و از آنها بیعت می‌گرفتند.^۲ تبیین تنها راه حل بود فلذا هنگامیکه فدک توسط خلیفه غصب شد، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ به مسجد آمدند و خطبه‌ای طوفانی خواندند و فدک را پس گرفتند. در شب‌های آینده بیشتر از جهاد تبیین در قیامی که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ به پا کردند بحث می‌کنیم اما کمی بیندیشیم که ما در راه دفاع از ولایت اهل بیت، چه کرده ایم؟ تا به حال در خانه‌ی کسی را زده ایم تا درباره‌ی امام زمان عَجَلُ اللّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ با او صحبت کنیم؟ کسی را به سپاه آقا جانمان بقیة الله الاعظم عَجَلُ اللّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ وصل کرده ایم؟ لطف و عنایات آنها را به کسی نشان داده ایم؟ چقدر معارف و فضائل اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را تبلیغ کرده ایم؟ چرا ما مثل حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ جهاد نمی‌کنیم؟ چرا امام خود را اینگونه غریب و تنها رها کرده ایم؟ دلیل اصلی غربت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نداشتن یار بود. دلیل غربت امام زمان عَجَلُ اللّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ هم نداشتن یار هست. چقدر یار جمع کردیم برای یاری امام زمان مان ؟

۱. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۰-۵۸۱

۲. طبق نقل‌های تاریخی ۴۴ نفر با امیرالمومنین بیعت کردند و قرار شد فردای آن روز با سر تراشیده بیایند که به جز ۴ نفر، کسی اینکار را انجام نداد.



روضه

حضرت زهراء علیها السلام برای دفاع از امام زمانش، جان خودش و محسنش رو فدا کرد. چه کردند با آن حضرت؟ یا صاحب الزمان آقا جان ببخشید که من اینطور روضه میخونم: این روضه‌ای هست که خود خدا برای پیغمبرش خونده!

وَأَمَّا ابْنُكَ، فَتُظْلَمُ وَتُحْرَمُ: اما دختری فاطمه بهش ظلم میشه، از حق خودش محروم میشه. وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَضَباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا: فدکی که خودم بهت دستور دادم به فاطمه بده، فدک رو به زور ازش میگیرند. دیگه چی؟! يُدْخَلُ عَلَيْهَا وَعَلَى حَرِيمِهَا وَمَنْزِلِهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ: بدون اجازه و بدون اذن وارد خونه‌ی فاطمه میشن. ای کاش فقط وارد بشن. ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَ ذُلٌّ: فاطمه دختری مانع ورود اونها میشه، رد بشم از این عبارت. وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا: دختری زهرا بارداره. تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ: مراعاتش نمیکنند، اونقدر می‌زنند، وَ هِيَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ: اونقدر بین در و دیوار دختری رو می‌زنند که دختری بستری میشه و به همین ضربات از دنیا میره

هیچ دانی دختر خیرالبشر

از چه آمد جای حیدر پشت در؟!

دید مولایش علی تنها شده

خانه اش محصور دشمنها شده



من که تنها دختر پیغمبرم

پشت این در پیشمرگ حیدرم

اولین قربانی حیدر منم

آن که باشد مرد این سنگر منم

بچه های فاطمه دارند این صحنه رو می بینن! زینب، اینجا پنج سال بیشتر نداره، دید مادر توی این دود و آتش، بین نامحررها، توی هجوم مهاجمین به پیغمبر استغاثه میکنه، این درس رو یادگار برای خودش نگه داشت کربلائی ها! پنجاه سال بعد، روز یازدهم اومد کنار گودال قتلگاه، دید یه بدنی إرباً إرباً روی خاک گرم کربلا بی سر، بی عمامه، بی نعلین و لباس و انگشتر. فریاد زد: «وامحمداه، صَلَّى عَلَیْكَ مَلِیْكَ السَّمَاءِ، هَذَا حَسِیْنٌ بِالْعَرَاءِ، مُرْمَلٌ بِالْدِّمَاءِ، مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ» هرجا نشستی ناله بزن یا حسین...



